Religion and Health

ORIGINAL ARTICLE

2026, Vol: 13, No: 2, Pages: 1-14

A Psychological Analysis of the Component Model of Human Dignity in Imam Husayn (AS)'s Transcendent Discourse

Alireza Shirzad[1]*

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, School of Medicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Mazandaran, Iran

***Corresponding Author:**
Alireza Shirzad, Department of Islamic Studies, School of Medicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Mazandaran, Iran

Email:
a.shirzad@mazums.ac.ir

Received: 05 Jun 2025
Revised: 09 Feb 2026
Accepted: 17 Feb 2026

Abstract

Aba Abdillah al-Husayn (AS) has inspired influential political, cultural, and social discourses, both during his lifetime and throughout subsequent centuries; this is true both in his time and in the far future. In this context, he focuses on the principle of human dignity, which, in his view, is a condition for walking the path of Imam Husayn (AS). The objective of this research is to formulate a psychological analysis of the principle of human dignity and a psychological model of it in the discourse of Imam Husayn (AS). Using a descriptive–analytical method, this study examined lexicographical sources, works related to Imam Husayn (AS), and psychological literature on self-esteem, a concept closely related to human dignity. The study revealed that Imam Husayn's (AS) discourse includes four main elements of human dignity: foundational, cognitive, motivational, and behavioral. The first element is human dignity, which serves as the foundation for the remaining components and is derived from the Qur'an. The second element is cognitive, referring to self-dignity and the avoidance of humiliation, as articulated by Imam Husayn (AS). This component emphasizes self-dignity and resistance to humiliation, achieved through cognitive awareness of one's capacities and cognitive persuasion. The third element is inspirational, underscoring the motivational role of Imam Husayn (AS) in advancing anti-oppressive movements. The final element is behavioral and includes actions such as responding kindly to people's rudeness, not humiliating others, refraining from discriminating between servants and other members of society, and allowing people to take their own paths.

Keywords: Component, Human Dignity, Husayni Discourse, Psychological, Self-Esteem

▶ **Citation:** Shirzad A. A Psychological Analysis of the Component Model of Human Dignity in Imam Husayn (AS)'s Transcendent Discourse. Religion and Health, Autumn & Winter 2026;13 (2): 1-14 (Persian). Doi: 10.22034/Jrh.13.2.1

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.22034/Jrh.13.2.1]

دین و سلامت
مقاله پژوهشی
دوره ۱۳، شماره ۲، سال ۱۴۰۴ صفحه: ۱۴-۱

تحلیل روان‌شناختی مدل مؤلفه‌های کرامت انسانی در گفتمان متعالی امام حسین (ع)

علیرضا شیرزاد[1*]

۱. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکدهٔ پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، مازندران، ایران

* مؤلف مسئول:
علیرضا شیرزاد، گروه معارف اسلامی، دانشکدهٔ پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، مازندران، ایران

Email:
a.shirzad@mazums.ac.ir

دریافت:۱۴۰۴/۰۳/۱۵
اصلاحات: ۱۴۰۴/۰۷/۱۱
پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

چکیده

کلام و سیرهٔ اباعبدالله الحسین (ع) نه‌تنها در طول زندگی ایشان، بلکه حتی بعد از قرن‌ها نیز سبب ایجاد گفتمان مؤثر در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شده است و در این میان، کرامت انسانی را نیز می‌توان به‌عنوان لازمهٔ حرکت در مسیر گفتمانی امام حسین (ع) ذکر کرد. به همین دلیل، پژوهش حاضر با هدف کشف و سپس تبیین روان‌شناختی مؤلفه‌های کرامت انسانی در گفتمان امام حسین (ع) و نیز ارائهٔ مدلی از مؤلفه‌های این مفهوم انجام شده است. برای رسیدن به این هدف، با روش توصیفی ـ تحلیلی، کتب لغت‌شناسی، کتب پیرامون امام حسین (ع) و نیز کتبی بررسی شدند که در دانش روان‌شناسی به مفهوم عزت‌نفس به‌عنوان مفهوم قریب‌المعنای کرامت انسانی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کرامت انسانی در گفتمان امام حسین (ع) چهار مؤلفهٔ مبنایی، شناختی، انگیزشی و رفتاری دارد. مؤلفهٔ مبنایی ریشهٔ دیگر مؤلفه‌هاست که براساس اندیشهٔ قرآنیِ کرامت ذاتی انسان‌ها شکل گرفته است. مؤلفهٔ دوم، مؤلفهٔ فکری است و خطابه‌های امام حسین (ع) در باب ذلت‌ناپذیری می‌تواند از طریق اقناع شناختی و آگاه‌کردن فرد از داشته‌های خود، او را به‌سمت کرامت نفس سوق دهد. مؤلفهٔ سوم، مؤلفهٔ انگیزشی است که به اثر برانگیزانندهٔ الگویی همچون امام حسین (ع) در ایجاد حرکت‌های ظلم‌ستیزانه اشاره دارد. مؤلفهٔ چهارم، مؤلفهٔ رفتاری است که برخورد کریمانه با تندی دیگران، پرهیزدادن از شرمسارکردن دیگران، تبعیض‌نگذاشتن میان خدمت‌گزاران با انسان‌های دیگر و نیز اختیاردادن در انتخاب مسیر، نمونه‌هایی از این مؤلفهٔ رفتاری است.

واژه‌های کلیدی: گفتمان حسینی، کرامت انسانی، عزت‌نفس، روان‌شناختی، مؤلفه

◄ **استناد:** شیرزاد، علیرضا. تحلیل روان‌شناختی مدل مؤلفه‌های کرامت انسانی در گفتمان متعالی امام حسین (ع) دین و سلامت، دوره ۱۳، شمـــاره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۴

مقدمه

بیان مسئله و پرسش اصلی تحقیق

در طول تاریخ، گفتمان‌های متعددی از جانب برخی دانشمندان و مکاتب مختلف شکل گرفته است، اما وجه تمایز گفتمان امام حسین (ع) با دیگران گفتمان‌ها در این

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.22034/Jrh.13.2.1]

است که گفتمان‌های دیگر عموماً در بخشی خاص همچون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، یا حیطه‌ای از علوم شکل گرفته است و همچنین حیطهٔ اثرگذاری آنان به دورهٔ شکل‌گیری آن یا کمی بعد از آن محدود بوده است، اما گفتمان حسینی علاوه‌بر اینکه حوزه‌های مختلفی همچون سیاسی، فرهنگی، خانوادگی و اجتماعی را شامل می‌شود، از نظر محدودهٔ جریان‌سازی، نه‌تنها در دورهٔ خود، بلکه پس از قرون متمادی شاهد ایده‌ها، حرکت‌ها و نهضت‌های متأثر از گفتمان حسینی هستیم.

با دقت و بررسی کلام و رفتار امام حسین (ع) در زمان حیات شریفشان متوجه خواهیم شد که ایشان در همهٔ ابعاد گفتمانی خود، همچون سیاست‌ورزی، اجتماعی و ظلم‌ستیزانه، که البته تعامل با دشمن، معاشرت با دیگران و مساعدت نیازمندان مصادیقی از آن ابعاد است، به کرامت و عزت‌نفس خود و طرف مقابل توجه کرده و اساس تعامل خود را بر مبنای کرامت ذاتی انسان‌ها بنا نهاده است. به همین دلیل، ابعاد جریان‌سازی یا گفتمانی مکتب امام حسین (ع) نیازمند پیوستی تحت عنوان «توجه به کرامت انسانی» خواهد بود و با توجه به اینکه همهٔ سخنان و رفتارهای امام (ع) با توجه به حفظ کرامت خود و مردم حتی دشمنان خویش بوده است، در نتیجه لازم است که قدم‌نهادن در مسیر گفتمانی ایشان با رعایت اصل کرامت ذاتی انسان‌ها باشد.

پیشینهٔ پژوهش

دربارهٔ کرامت انسانی و عزت‌نفس، خصوصاً از منظر متون دینی، مقالات متعددی به چاپ رسیده است، اما مقاله‌ای که به بررسی مؤلفه‌های کرامت انسانی در گفتمان امام حسین (ع) با رویکرد روان‌شناختی پرداخته باشد، یافت نشده است. در ادامه، به تعدادی از مقالات مرتبط اشاره خواهد شد.

«مفهوم‌شناسی تطبیقی عزت‌نفس در قرآن و روان‌شناسی انسان‌گرا» عنوان مقاله‌ای است که محمدعلی نژاد عمران و پیمان کمالوند (۱۳۹۵) در فصلنامهٔ *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی* به چاپ رسانده‌اند. براساس این پژوهش، عزت‌نفس از نگاه قرآن جهات مادی و معنوی دارد که البته بیشتر ناظر به ابعاد معنوی انسان‌هاست. همچنین عزت و کرامت‌نفس از نگاه قرآن، در نزد روان‌شناسان، قداستی بالاتر از عزت و کرامت دارد.

«راهکارهای ارتقای کرامت انسانی در قرآن و روایات» عنوان مقاله‌ای است که ثریا سادات موسوی و محمد باقریان (۱۴۰۰) نگاشته‌اند و در دوفصلنامهٔ *تحقیقات قرآنی و حدیثی* به چاپ رسیده است. براساس این پژوهش، عوامل متعددی در ارتقای کرامت انسانی دخیل‌اند که به دو دستهٔ ایجابی و سلبی تقسیم می‌شوند. همچنین، عواملی مانند اطاعت از خدا، تقوای الهی، گسستن از غیر خدا، صداقت، شهامت، آزادگی، دوری از طمع از مصادیق کرامت است.

«مؤلفه‌های کرامت انسانی در گفتمان متعالی امام حسین (ع)» عنوان مقاله‌ای است که ساره حسینی‌پور (۱۴۰۱) در نشریهٔ *مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت* منتشر کرده است. از منظر پژوهشگر، عبودیت، شرافت ذاتی وجود، عقلانیت، عزت‌طلبی و اختیار، ازجمله مؤلفه‌هایی‌اند که نویسنده در این مقاله به آن‌ها اشاره کرده است.

براساس پیشینه‌پژوهی انجام شده، آنچه دربارهٔ کرامت انسانی و عزت‌نفس با نگاه اسلامی و روان‌شناختی نگارش شده است، هیچ‌کدام با نگاهی روان‌شناختی به مؤلفه‌های کرامت انسانی در گفتمان امام حسین (ع) نپرداخته‌اند و در نتیجه، وجه تمایز اصلی میان پژوهش حاضر و دیگر پژوهش‌های مرتبط، پرداختن به عناصر و مؤلفه‌ها، تحلیل روان‌شناختی آنان و نیز ارائهٔ مدلی چندبُعدی از آن‌هاست.

ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به اینکه روزبه‌روز اقبال مردم در سراسر دنیا به گفتمان هدایت‌بخش و ظلم‌ستیزانهٔ امام حسین (ع) بیشتر می‌شود، ضروری است که ملزومات قدم‌نهادن در چنین گفتمانی نیز تبیین شود. البته در میان این ملزومات، به‌دلیل سخنان متعدد امام حسین (ع) دربارهٔ

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.22034/Jrh.13.2.1]

زندگی عزت‌مندانه و نیز رفتارهای کریمانهٔ بسیار ایشان، توجه به کرامت انسانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ملزومات مسیر گفتمانی اباعبدالله الحسین (ع) مطرح است.

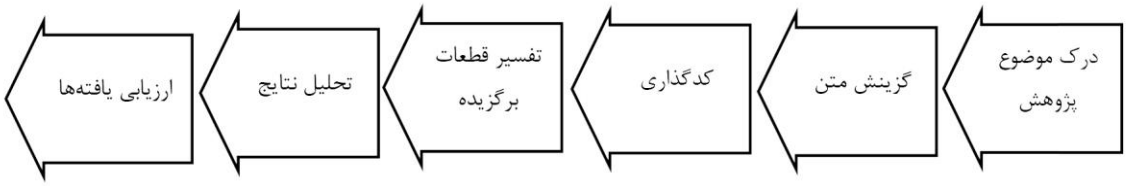
البته، صرف بیان سخنان یا رفتار ایشان پیرامون کرامت انسان‌ها در منابع بسیاری ذکر شده است، اما آنچه به‌عنوان خلأ در چنین پژوهش‌هایی مشاهده می‌شود، بررسی‌نکردن فرایندی چنین گفتمان و نیز عدم تبیین روان‌شناختی آن است؛ زیرا اثرگذاری چنین گفتمانی در میان مردم به مؤلفه‌های متعددی، اعم از انگیزشی، شناختی و رفتاری وابسته است که بدون پرداختن به آن‌ها، معرفی کاملی از کرامت انسانی در اندیشهٔ امام حسین (ع) صورت نپذیرفته است.

از سوی دیگر، بررسی میان‌رشته‌ای چنین آموزه‌های اسلامی‌ای که با دانش روان‌شناسی معاصر نیز هم‌پوشانی‌های فراوانی دارد، می‌تواند تبیین کاربردی‌تری از این گفتمان متعالی به جامعهٔ علمی و دانشگاهی ارائه دهد.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر برای گردآوری مباحث مرتبط با کرامت انسانی در گفتمان حسینی و نیز تجزیه‌وتحلیل داده‌های گردآوری‌شده به‌منظور بیان مؤلفه‌ها و ارائهٔ مدل، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده کرده است. تحلیل محتوای کیفی، مطالعهٔ نظام‌مند و دقیق مقادیری از متن است (۱) که با هدف کشف محتوای پنهان آن انجام می‌شود (۲). برون‌داد چنین مطالعهٔ کیفی‌ای، توصیف الگوها و شرح نظام‌مند معنای کشف‌شده از متن در قالب مقوله‌ها و مضمون‌هاست (۳).

همچنین، شش مرحله برای روش تحلیل محتوای کیفی در نظر گرفته می‌شود که پژوهش حاضر براساس این مراحل شکل گرفته است (شکل ۱):



مدل ۱. روش تحلیل محتوای کیفی پژوهش حاضر

۱. درک از موضوع پژوهش و تعیین پرسش‌هایی که قرار است با رجوع به متن به آن‌ها پاسخ داده شود که در حقیقت در این بخش، مطابقت‌دادن متأملانهٔ پرسش‌ها با داده‌ها در موفقیت پژوهش نقش اساسی دارد (۴). این پژوهش نیز با گزینش موضوعی میان‌رشته‌ای، که به تبیین ارتباط میان کرامت انسانی در نگاه امام حسین (ع) و مقولهٔ عزت‌نفس در روان‌شناسی اشاره دارد، به منابع دینی و روان‌شناسی مراجعه و داده‌های مختلفی را استنتاج کرده است.

۲. گزینش بخشی از متن که تحلیل در آن صورت می گیرد؛ در همین زمینه، دو دسته منابع دینی بررسی شد. ابتدا منابع روایی که به سخنان اباعبدالله الحسین (ع) اشاره کرده و سپس منابع تاریخی، خصوصاً مقاتل امام حسین (ع) که به رویدادهای شهادت ایشان پرداخته بودند، بررسی شد. همچنین، در گام بعدی منابع روان‌شناسی، خصوصاً با رویکرد انسان‌گرایی و مقالات مرتبط با آن در جهت تبیین مؤلفه‌های کرامت انسانی بررسی شدند.

۳. کدگذاری یافته‌ها، دسته‌بندی و مقوله‌بندی اجزای خام درون متن: در این بخش فرایند واحدسازی یا قطعه‌قطعه‌کردن متن و متمایزکردن نظام‌مند قطعه‌ها برحسب دغدغه‌های تحلیل و کارکردهای هر متن صورت می‌گیرد (۵). این مرحله در پژوهش حاضر، با دسته‌بندی‌های مخصوصی ازجمله مبنایی، انگیزشی،

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.22034/Jrh.13.2.1]

معرفتی و رفتاری اجرا شده است که تمامی داده‌هایی که در مرحلهٔ قبل استخراج شده است، براساس این موضوعات دسته‌بندی و پس از آن، تفسیر می‌شوند.

۴. تفسیر قطعات برگزیدهٔ متن: این بخش در حقیقت، کانون اصلی تحلیل محتوای کیفی است که به کشف معانی پنهان در واژه‌ها و نیز کشف روابط میان آن‌ها اشاره دارد (۶). این مرحله همان تحلیل داده‌های استخراج‌شده است که در سراسر این پژوهش مشهود است.

۵. استنتاج یا تحلیل نتایج: در این بخش الگوهای موجود در داده‌ها استخراج می‌شود، شواهد و استدلالات تفسیر بیان و در نهایت، به پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود. این مرحله نیز با بیان مؤلفه‌های کرامت انسانی و ارائهٔ مدل نهایی در این پژوهش اجرا شده است.

۶. ارزیابی یافته‌ها: این سنجش در دو قالب پایایی و روایی انجام می‌شود. برای هریک از این دو قالب، سنجه‌های مختلفی وجود دارد که تنها برخی از این سنجه‌ها در پژوهش حاضر کاربرد دارند. یکی از سنجه‌های روایی در تحلیل محتوای کیفی، اعتمادپذیری است که به گزارش تفصیلی و صادقانهٔ مراحل و نتایج تحلیل اطلاق می‌شود که سبب فهم روشن چگونگی استخراج یافته‌ها و نیز نقاط قوت و ضعف آن‌ها می‌شود (۷). این پژوهش، که مبتنی‌بر شواهد و استدلال‌های مختلف از متون دینی به‌منظور اثبات مؤلفه‌هاست، این زمینه را برای پژوهشگران فراهم کرده است که با توجه به روش‌های بیان‌شده، منابع معرفی‌شده و استدلالات هر مؤلفه، صحت و اعتبار تمامی مؤلفه‌ها را بررسی کنند.

مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی

پیش از آنکه کرامت انسانی در گفتمان امام حسین (ع) با نگاه روان‌شناختی بررسی شود، لازم است ابتدا دو واژهٔ کلیدی این نوشتار، یعنی «گفتمان» و «کرامت»، مفهوم‌شناسی و جایگاه این دو واژه در پژوهش حاضر روشن شود. در مرحلهٔ بعد نیز با توجه به قرابت معنایی واژهٔ عزت‌نفس با کرامت انسانی، این واژه نیز از منظر کتب روان‌شناسی معاصر مفهوم‌شناسی خواهد شد.

واژهٔ «گفتمان»

این واژه که معادل فارسی «Discourse» است و با توجه به بررسی دقیق تعاریف ارائه‌شده از این واژه، سه مؤلفه برای آن می‌توان در نظر گرفت.

مؤلفهٔ اول، به بُعد «زبانی» گفتمان اشاره دارد که همان کلام یا سخنی است که تحت یک گفتمان خاص بیان می‌شود که حاصل آن ایجاد معیارها و قواعد مشخص در درون گفتمان است و مؤلفه دوم نیز به بُعد «فرازبانی» گفتمان اشاره دارد که همان بسترهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است که زمینه‌ساز شکل‌گیری یک گفتمان است (۸) و مؤلفهٔ سوم به بُعد «اثرگذاری» گفتمان اشاره دارد و درصورتی‌که افراد در محدودهٔ زمانی و مکانی که گفتمانی خاص در آن حاکم است حضور داشته باشند، تحت‌تأثیر گفتمان قرار می‌گیرند و فهم و شناخت آنان را از واقعیت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد (۹). در نتیجه، قدرت گفتمان تا آنجاست که زبان خاص علمی برای صحبت دربارهٔ پدیده‌های مختلف ابداع می‌کند (۱۰) و علاوه‌بر آن، اصطلاحات خاص خود را نیز به وجود می‌آورد.

در همین زمینه، آنچه در این پژوهش از گفتمان امام حسین (ع) به آن اشاره می‌شود، مجموعهٔ سخنان و سیرهٔ رفتاری امام (ع) در طول عمر شریفشان بوده که در بستر و شرایط خاص دورهٔ خلافت بنی‌امیه و تحت‌تأثیر واقعهٔ کربلا شکل گرفته است و از نظر محدودهٔ اثرگذاری و جریان‌سازی نه‌تنها در دورهٔ خود، بلکه در تمام دوران بُعد هدایت‌گری و شکل‌دهی افکار و اتفاقات داشته است.

واژهٔ «کرامت»

به‌منظور مفهوم‌شناسی این واژه، نظرهای لغت‌شناسان متعددی بررسی و تحلیل شد و مؤلفه‌های این لغت استخراج شد. عده‌ای از لغت‌شناسان، «شرف یا آبرو» را یکی از مؤلفه‌های این لغت دانسته‌اند (۱۱، ۱۲) و

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.22034/Jrh.13.2.1]

به همین دلیل، راغب اصفهانی (۱۴۱۲) در کتاب خود، انسان کریم را همان انسان شریف معنا کرده است (۱۳).

عده‌ای دیگر از لغت‌شناسان، «عزت» را یکی از مؤلفه‌های کرامت دانسته‌اند (۱۴، ۱۵) و در نتیجه، مصطفوی (۱۳۶۸) در *التحقیق* خود، عزت و برتری در وجود یک شیء را به‌عنوان تعریف کرامت ذکر کرده است (۱۶).

همچنین برخی از لغت‌شناسان دو واژهٔ «هوان» و «لؤم» را، که به معنای پستی‌اند، به‌عنوان معنای متضاد کرامت دانسته‌اند و به دلیل، وجود قرینهٔ مقابله در آیهٔ ۱۸ سورهٔ حج «وَ مَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَما لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ»، که اهانت و کرامت در برابر یکدیگر قرار گرفته است، می‌توان این تضاد بیان‌شده را تأیید کرد (۱۶، ۱۷). در نتیجه، لازم است مؤلفهٔ عزت در معنای کرامت، بیشتر مورد توجه واقع شود.

مقابلهٔ بعدی را که قرینه‌ای برای متضادبودن واژهٔ «لؤم» برای واژه کرامت است، می‌توان در حدیثی از امیرالمؤمنین علی (ع) پیدا کرد که فرمودند: «مَا أَقْبَحَ شِيَمَ اللِّئَامِ وَ أَحْسَنَ سَجَايَا الْكِرَامِ» (۱۸)؛ ترجمه: چه زشت است خلق‌وخوی انسان‌های پست و چه نیکوست سجایای انسان‌های با کرامت.

در نتیجه، باوجود اینکه در هر دو واژهٔ «کرامت» و «عزت»، مفهوم «علوّ یا برتری» گنجانده شده است، در واژهٔ عزت، این برتری و استعلا در برابر دیگران معنا پیدا می‌کند، ولی معنای برتری در واژهٔ کرامت، در خود شیء و با مقیاس درونی هر فرد تعیین می‌شود و به‌منظور اثبات آن به وجودی غیر خود فرد نیازی نخواهد بود. از سوی دیگر، بخشی از معانی ذکرشده برای کرامت همچون سخاوت، جود و صفح (چشم‌پوشی از خطای دیگران) به‌عنوان معنای کرامت نیست، بلکه از آثار و لوازم کرامت است (۱۶).

با توجه به تعاریف لغت‌شناسان و مؤلفه‌های ذکرشده، کرامت دو جنبهٔ شخصیتی و رفتاری از لحاظ لغوی دارد. از جنبهٔ شخصیتی دو مؤلفهٔ شرافت و عزت دارد که به همین دلیل، فردی با کرامت خواهد بود که این دو ویژگی شخصیتی را دارد. از جنبهٔ دیگر نیز رفتارهای کریمانه و بزرگ‌منشانه همچون، جود، سخاوت، عطاکردن و گذشت از اشتباهات دیگران مؤلفهٔ رفتاری آن محسوب خواهد شد.

در نتیجه، در مقالهٔ حاضر، مراد از کرامت انسانی، که در گفتمان حسینی بررسی شده، آن‌دسته از گفتارها و رفتارهای اباعبدالله الحسین (ع) با مردم جامعه بوده است که می‌تواند سبب ایجاد و رشد شرافت و عزت درونی انسان‌ها شود و امکان بروز رفتارهای کریمانه همچون سخاوت و گذشت را در آنان فراهم کند.

واژهٔ «عزت‌نفس»

با توجه به اینکه در روان‌شناسی معاصر، نزدیک‌ترین مفهوم به «کرامت انسانی» مفهوم عزت‌نفس است و این پژوهش نیز براساس این کلیدواژه به استخراج داده‌های روان‌شناختی از متون علمی پرداخته است، در نتیجه، ابتدا باید این واژه مفهوم‌شناسی شود تا مراد اصلی از این واژه و نیز قرابت معنایی آن با کرامت انسانی تبیین شود، اما برای این مفهوم، تعاریف متعددی بیان شده است که هریک از تعاریف به بخش خاصی از این مفهوم اشاره دارند.

عزت‌نفس یک نوع از ارزیابی فردی (۱۹) در برابر باارزش یا بی‌ارزش‌بودن خویش است (۲۰) که این ارزش‌گذاری به حوزه‌هایی همچون توانایی‌ها و موفقیت‌های فرد مربوط می‌شود که ترجمان آن را می‌توان در سطح گفتار و رفتار فرد مشاهده کرد (۲۱). در نتیجه، علاوه‌بر آنکه مفهومی انگیزشی است، مفهومی نگرشی نیز هست که به‌شدت به مفاهیم شناختی، چه از درون فرد (تلقین‌های درونی) و چه از بیرون آن (نظرهای دیگران)، وابسته است (۲۲).

یافته‌ها

مؤلفه‌های کرامت انسانی در گفتمان حسینی

با نگاه مجموعی و با دقت به‌کاررفته در مباحث کرامت انسانی در آثار امام حسین (ع)، می‌توان مجموع

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.22034/Jrh.13.2.1]

سخنان و رفتار حضرت را که در آن به مسئلهٔ کرامت انسانی افراد توجه شده است، به چهار مؤلفهٔ مبنایی، فکری، انگیزشی و رفتاری تقسیم کرد که هریک در مدلی که در آینده بیان خواهد شد، نقشی متمایز و مهم در ایجاد کرامت انسانی ایفا می‌کنند.

مؤلفهٔ مبنایی

این مؤلفه را می‌توان ریشهٔ تمامی مؤلفه‌های دیگر دانست. در حقیقت، این مؤلفه در مقام پاسخ به این سؤال است که انسان در اندیشهٔ امام حسین (ع) چه جایگاهی داشته و آیا ذات آدمی نیز صرف‌نظر از هرگونه اعتقاد و آیینی، نزد ایشان محترم است یا خیر.

بدون تردید، نمی‌توان اندیشهٔ کرامت انسانی امام حسین (ع) را از اندیشه قرآنی موجود در این زمینه مجزا کرد. همچنان‌که در آیهٔ ۷۰ سورهٔ اسراء «وَ لَقَدْ كَرَّمْنا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْناهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ وَ فَضَّلْناهُمْ عَلى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنا تَفْضِيلًا»، خداوند متعال نه‌تنها مؤمنان و مقربان درگاه خود را، بلکه همهٔ انسان‌ها را، کرامت بخشیده است؛ زیرا براساس عمومیت این آیه، که با لفظ «بنی آدم» ذکر شده و نیز لحن امتنانی و عتاب‌آمیز آیه به‌دلیل کفران نعمت‌های فراوان ذکرشده در آیه توسط کافران، نمی‌توان مراد از آن را منحصر در مؤمنان دانست و در نتیجه، تمامی جنس بشر ازجمله کفار و فساق را شامل می‌شود و آنان نیز مشمول کرامت الهی‌اند (۲۳). از سوی دیگر، در نگاه امیرالمؤمنین علی (ع) علاوه‌بر اینکه ظلم به غیرمسلمان در حکومت اسلامی جایز نیست (۲۴)، لطف و محبت به تمامی انسان‌ها صرفاً به‌دلیل انسان‌بودن آن‌ها توصیه شده است (۲۵).

تفسیر عینی قرآن کریم و کلام امام علی (ع) دربارهٔ کرامت ذاتی تمامی انسان‌ها صرف‌نظر از دین یا تفکرشان، در کلام و سیرهٔ اباعبدالله الحسین (ع) نیز مشهود است. برای نمونه، در مسیر کوفه که کاروان امام (ع) با ممانعت سپاهیان حرّ مواجه می‌شوند، گرمای بسیار هوا باعث شده بود که امام حسین (ع) به یاران خویش دستور دهد که سپاهیان و اسبان دشمن را سیراب کنند و یکی از سپاهیان حرّ به نام علی ابن طحان محاربی که توان انجام این کار را نداشت، خود حضرت با دستان مبارکشان، وی را به‌همراه اسبش سیراب کردند (۲۶).

همچنین عبادالله‌خواندن سپاهیان عمرسعد در روز عاشورا به هنگام ایراد خطبه (۲۷) نمونه‌ای از خطاب کرامت‌آمیز ایشان حتی دربرابر دشمنان خود است. به همین دلیل، در اندیشهٔ امام حسین (ع)، که مبنای رفتارهای کرامت‌دهندهٔ ایشان است، هر فردی حتی دشمن انسان نیز بهره‌هایی از کرامت انسانی را دارد و این اندیشهٔ امام (ع) مبنای رفتارهای کریمانهٔ ایشان با تمامی انسان‌ها، حتی دشمنان، شده است.

این نگاه مثبت به ذات انسان و در نتیجه، تعامل کریمانه با تمامی بشر، در مکتب انسان‌گرایی علم روان‌شناسی نیز مشاهده می‌شود و برخلاف برخی مکاتب روان‌شناسی، که به درماندگی و گناهکاربودن ذاتی آدمی قائل‌اند، در این مکتب انسان ذاتاً خوش‌طینت و دارای فطرتی پاک است. براساس این مکتب، هرچه انسان توجه مثبت، اما غیرمشروط از دیگران دریافت کند و دیگران او را همان‌طور که هست بپذیرند و تنها به‌دلیل انسان‌بودنش به او محبت کنند، شخصیت وی رشد سالمی خواهد داشت. همچنین، این افراد از نظر روانی نیز انسانی سازگار و کامل خواهند بود (۲۸).

البته برخلاف دیدگاه انسان‌گرایی، در روان‌شناسی که آدمی را به‌صرف انسان‌بودن شایستهٔ احترام و توجه می‌داند، در نگاه اسلام، اگرچه انسان‌ها ذاتاً به‌دلیل وجود برخی نعمت‌ها همچون عقل، فطرت و اختیار از موجودات دیگر برترند، آنچه در حقیقت، انسان را شایسته کرامت کرده این است که خداوند متعال انسان را آفریده و اوست که این نعمت‌های متمایزکننده را به وی عطا کرده و در حقیقت انتساب انسان به خداوند است که کرامت ذاتی را برای وی به ارمغان می‌آورد.

مؤلفهٔ شناختی

این مؤلفه در واقع همان معارفی است پیرامون کرامت انسانی که امام حسین (ع) در قالب بیانات و خطبه‌ها به آن اشاره کرده و از طریق آن، درصدد اقناع

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.22034/Jrh.13.2.1]

فکری مخاطبان خویش برآمده و اهمیت حفظ کرامت حتی در سخت‌ترین لحظات زندگی را گوشزد کرده است.

بخشی از این سخنان حضرت در مدینه و پیش از واقعهٔ عاشورا بیان شده است؛ هنگامی که به ایشان توصیه می‌شود با یزید بیعت کند، با بیان دو واژه «أنّ» و «أبداً» در جملهٔ خویش، پاسخ خویش را با تأکیدهای مضاعف همراه کرد و فرمود: «أَنَّهُ لَا أُعْطِي الدَّنِيَّةَ مِنْ نَفْسِي أَبَداً» (۲۹)؛ ترجمه: همانا حقیقت این است که من هرگز زیر بار پستی و ذلّت نمی‌روم. این شدت پاسخ از جانب اباعبدالله (ع) نشان از عدم تردید و عزم راسخ ایشان در پیمودن مسیر عزت‌مندانه است.

اما بخشی دیگر از سخنان کرامت‌آمیز حضرت در روز عاشورا و در پاسخ قیس ابن أشعث بیان شده است؛ آنجا که ایشان را به قبول بیعت و پذیرش عافیت‌طلبی دعوت کرد، فرمود: «لَا وَ اللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الذَّلِيلِ وَ لَا أَفِرُّ فِرَارَ الْعَبِيد» (۲۶)؛ ترجمه: به خدا سوگند، نه دست ذلّت و خواری به شما می‌دهم و نه چونان بردگان می‌گریزم. در این عبارت نیز، همان‌گونه که مشاهده می‌شود، ایشان برای سخن خویش قسم الهی یاد کرده است که حتی احتمال اندک سازش ایشان با دستگاه یزید را قاطعانه نفی می‌کند.

نکته‌ای که در هر دو کلام امام حسین (ع) حائز اهمیت است این بوده که ایشان ذلت و خواری پذیرش بیعت را به «نفس» و «ید» خویش نسبت داده است و این موضوع قبح سازش با ظالم را بیشتر می‌کند؛ زیرا انسان کریم هیچ‌گونه با اختیار و با دست خودش تن به ذلت نخواهد داد.

همچنین، درس دیگر مکتب کرامت امام حسین (ع) این بود که حفظ عزت و کرامت انسان، گاه به قیمت جان او تمام خواهد شد و حتی در زمان تخییر میان مرگ با عزت و زندگی با ذلت، اولویت با مرگ با عزت خواهد بود؛ همچنان‌که در سرودهٔ ایشان در روز عاشورا و در هنگام مبارزه با دشمنان، به این اولویت اشاره شده است:

الْمَوْتُ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَ الْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّار

ترجمه: مرگ آزادمنشانه بهتر از ذلت‌پذیری و تن‌سپردن به خفت و خواری است و با همهٔ این‌ها، تن‌سپردن به ذلت، باز هم بهتر از پذیرفتن آتش شعله‌ور دوزخ است (۳۰).

اما نکته‌ای که نمی‌توان به‌راحتی از آن عبور کرد این است که امام حسین (ع) در سراسر واقعهٔ کربلا درصدد اعلان تفکر خویش و ترویج منش کریمانه است و حتی هنگامی که بسیاری از یاران خویش را از دست داد و زمان هجوم سراسری به خیمه‌ها شد، در آن هنگام نیز حضرت از موضع عزت و کرامت خویش کوتاه نیامد و فرمود: «وَ اللَّهِ لَا أُجِيبُهُمْ إِلَى شَيْءٍ مِمَّا يَطْلُبُونَ حَتَّى أَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى وَ أَنَا مُخْضَبٌ بِدَمِي»؛ ترجمه: هان! بهوش باشید! به خدای سوگند، هرگز به خواستهٔ ظالمانهٔ آنان پاسخ مثبت نخواهم داد، تا درحالی پروردگارم را دیدار کنم که به خون خویشتن رنگین باشم (۳۱).

نمی‌توان از اثر شناخت و معرفت‌دهی در افزایش کرامت و عزت‌نفس چشم‌پوشی کرد، همچنان‌که در روان‌شناسی عزت‌نفس، تأثیر مجموعهٔ افکار انسان در طول زندگی در ایجاد حس ارزشمندبودن به اثبات رسیده است (۳۲).

به نظر می‌رسد از نگاه روان‌شناختی علاوه‌بر اینکه انجام یک رفتار در ابتدا به اقناع شناختی نیازمند است که بیان خطبه‌ها و موعظه‌های امام حسین (ع) در همین زمینه تبیین می‌شوند، بُعد دیگر اثر شناخت در رفتارهای کرامت‌آمیز انسان، معرفت نفس اوست؛ زیرا درصورتی‌که فرد به ویژگی‌ها و توانایی‌های خود در داشتن یک زندگی کریمانه و نیز به‌تبع آن، ابراز رفتارهای کرامت آمیز آگاه باشد، راحت‌تر می‌توان از وی انتظار شخصیت سالم و با عزت‌نفس زیاد را داشت. این نوع شناخت و توجه به مهارت‌ها و توانایی‌های شخصی را می‌توان در علم روان‌شناسی در قالب نظریهٔ «احساس خودکارآمدی» مطرح کرد. «خودکارآمدی» به قضاوت‌های فرد دربارهٔ توانایی‌های خود در شرایط و موقعیت‌های مختلف مربوط می‌شود که به‌عنوان مفهومی روان‌شناختی، عناصر شناختی، عاطفی و رفتاری دارد (۳۳).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.22034/Jrh.13.2.1]

از منظر بُعد شناختی این نظریه که می‌توان آن را گام اول در ایجاد احساس خودکارآمدی دانست، «قانع‌سازی کلامی» و «تلقین» از روش‌های مهم آن به شمار می‌آیند (۳۴). اینکه مخاطب بداند در درون خود چه توانایی‌هایی برای داشتن صفات نیکو دارد، نیازمند فرایند آگاهی‌بخشی روشمندی با شیوه‌های قانع‌سازی و تلقین ذهنی است.

این توجه به ویژگی‌ها و داشته‌ها، که انسان را از رفتارهای ذلیلانه دور می‌کند، در پاسخ امام حسین (ع) به «ولید بن عُتبه»، حاکم مدینه، به چشم خورد؛ آن هنگام که حضرت فرمودند: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَ بِنَا فَتَحَ اللَّهُ وَ بِنَا خَتَمَ اللَّهُ وَ يَزِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبُ الْخَمْرِ قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةِ مُعْلِنٌ بِالْفِسْقِ وَ مِثْلِي لَا يُبَايِعُ بِمِثْلِه» ترجمه: ما خاندان پیامبر (ص) و کانون رسالت هستیم و آستانهٔ ما محل رفت‌وآمد فرشتگان است، دفتر هستی به‌وسیلهٔ ما باز می‌شود و صراط کمال به‌وسیلهٔ ما ختم می‌شود، یزید مردی فاسق شراب‌خوار، آدم‌کش و جنایتکار آشکار و گستاخ است. شخصی مثل من با فردی مثل او بیعت نخواهد کرد، ابا عبدالله الحسین (ع) سالار کسانی است که زیر بار زور نمی‌روند (۲۹).

در این عبارت، امام حسین (ع) به‌جای اینکه عدم بیعت را به خود نسبت دهند، به «مثل» و مانند خویش نسبت می‌دهند و در مقابل نیز متعلق عدم بیعت را مثل یزید دانستند، نه شخص یزید و این نوع نسبت‌دادن ما را متوجه این موضوع می‌کند که بحث بر سر شخص نیست، بلکه بحثِ وجود صفات و ویژگی‌هاست که هر فردی با داشتن چنین خصایص الهی جایز نیست با فردی با چنین خصایص شیطانی‌ای بیعت کند.

در نتیجه، سخنرانی‌های متعدد اباعبدالله الحسین (ع)، که به اهمیت کرامت انسانی در زندگی و اجتناب از زندگی ذلت‌بار اشاره دارد، علاوه‌بر اینکه فرد را از نظر شناختی اقناع می‌کند تا رفتارهای کریمانه‌ای با دیگران داشته باشد، او را متوجه داشته‌های خود می‌کند تا با آن ویژگی‌ها ارزش خود را بداند و لذا، همواره با کرامت زندگی کند.

مؤلفهٔ انگیزشی

انگیزه همان سوخت یا انرژی انجام یک رفتار است و در فعال‌سازی، تداوم‌بخشی و جهت‌دهی رفتار نقش اساسی دارد (۳۵). در همین زمینه، در گفتمان حسینی، وجود امام حسین (ع) به‌عنوان الگوی الهام بخش، عنصری انگیزه‌بخش در پیمودن مسیر عزتمندی است. آن‌چنان قیام کرامت‌بخش امام حسین (ع) در جان‌ها مؤثر بود که حتی ابن ابی‌الحدید معتزلی نیز ایشان را به «سید الإباء» (سالار کسانی که زیر بار زور نمی‌روند) ملقب می‌کند (۳۶).

فرایند انگیزشیِ سرمشق‌گرفتن را نیز می‌توان در مفهوم «مقایسهٔ اجتماعی» تبیین کرد که شخصِ الگو، معیار سنجشی برای قضاوت افراد دربارهٔ وضعیت خودشان است و وجود تفاوت در این مقایسه انگیزه‌ای شده است تا انسان فاصلهٔ بین خود و الگو را کمتر کند و به آن نزدیک‌تر شود. در نتیجه، از نگاه روان‌شناختی یکی منابع کسب کرامت و عزت‌نفس، وجود الگوی انسانی، فلسفی و عملیاتی پیشرو است که انسان بتواند در ایجاد ارزش‌ها و آرمان‌های خود از آن الگو بگیرد (۳۷).

نظریهٔ «مقایسهٔ اجتماعی» به سه سطح موازی (شبیه به خود)، نزولی (افراد پایین تر) و صعودی (افراد بالاتر) تقسیم می‌شود که مقایسهٔ سطح سوم می‌تواند الهام‌بخش و رفتارساز باشد (۳۸). البته، مقایسه در امور دنیوی نسبت به بالاتر، می‌تواند به‌عنوان مکانیزمی برای تولید حسادت عمل کند که این حالت منفی در مقایسه‌های اخروی و معنوی وجود نخواهد داشت.

از سوی دیگر، برای ایجاد مقایسهٔ اجتماعی کامل، به وجود شباهت میان «الگو» و «الگوگیرنده» نیازمند خواهیم بود که در واقع، درون خود فرد چنین مقایسه‌ای هست (۳۹). به همین دلیل، هرچقدر امام حسین (ع) را دست‌نیافتنی‌تر معرفی کنیم و ایشان را همچون دیگر انسان‌ها در وجود برخی صفات و حالات ندانیم، گزینش چنین الگویی و الهام‌بخش‌بودن آن برای دیگران دشوار خواهد بود.

نمونه‌ای بارز از چنین نیروی الهام‌بخشی، انقلاب

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.22034/Jrh.13.2.1]

اسلامی ایران است که امام خمینی دربارۀ آن یادآور شد: «اگر قیام حضرت سیدالشهدا سلام‌الله علیه نبود، امروز نیز ما نمی‌توانستیم پیروز شویم» (۴۰). قدرت الگویی همچون اباعبدالله الحسین (ع) نه‌تنها در میان مسلمانان، بلکه در میان غیرمسلمانان نیز انگیزه‌بخش بوده و نهضت آزادی‌بخش مردم هند علیه استعمار بریتانیا نمونه‌ای دیگر از اثر گفتمان حسینی بر کرامت انسانی است. مهاتما گاندی، رهبر این نهضت، که خود معتقد به آیین هندو بود، دربارۀ چنین الگوی برانگیزاننده‌ای می‌گفت: «من زندگی امام حسین، آن شهید بزرگ اسلام، را به‌دقت خوانده‌ام و توجه کافی به صفحات کربلا کردم و بر من روشن است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز شود، باید از سرمشق امام حسین پیروی کند» (۴۱).

مؤلفۀ رفتاری

این مؤلفه به مجموعۀ رفتارهایی می‌پردازد که می‌تواند کرامت انسانی را در افراد ایجاد یا تقویت کند. این رفتارهای کرامت‌دهنده در سیرۀ امام حسین (ع) نیز در موارد متعددی به چشم می‌خورد. بخشی از این رفتارها به واکنش کریمانۀ امام حسین (ع) به تندی و ناسزاگویی دیگران اشاره دارد. برای نمونه، در بحبوحۀ روز عاشورا، هنگامی‌که عبدالله ابن حوزه ایشان را به‌شکل نامناسبی خطاب کرد و با وقاحت کامل، حضرت را به جهنم بشارت داد، امام حسین (ع) بدون هرگونه برخورد یا کلامی تند، به وی قاطعانه فرمود: «كَلّا، إِنِّی أَقْدَمُ عَلَی رَبٍّ رَحِیمٍ وَ شَفِیعٍ مُطَاعٍ»؛ ترجمه: هرگز! من بر پروردگار مهربان و [پیامبر] شفیع و مطاع وارد خواهم شد (۲۸).

بخشی دیگر از این رفتارها را می‌توان در تبعیض‌نگذاشتن امام حسین (ع) میان بردگان با افراد دیگر و نیز برخورد کریمانه با نژادهای گوناگون مشاهده کرد که نمونۀ بارز آن را می‌توان در واقعۀ کربلا مشاهده کرد. آنچه در تاریخ مشهود است این بوده که تعداد قابل توجهی از کسانی که از اباعبدالله (ع) اذن میدان گرفته‌اند و از آن‌ها به‌عنوان اصحاب شهید حضرت یاد می‌شود، از بردگان و غلامان بوده‌اند؛ ازجمله سلیمان، منجح و قارب دیلمی از غلامان امام حسین (ع)، جون ابن أحوی غلام ابی‌ذر، سالم غلام عامر بن مسلم، جابر بن الحجاج غلام عامر بن نهشل، شوذب غلام شاکر (۴۲، ۴۳).

بخشی دیگر از رفتارهای کریمانه حضرت را می‌توان در پرهیز از شرمسارکردن دیگران و حفظ آبروی دیگران مشاهده کرد. ایشان حتی هنگامی که یکی از انصار درصدد بیان حاجتی نزد ایشان بود، به همین میزان حاضر نشد که آن فرد آبروی خود را نادیده بگیرد و لذا فرمودند: «يَا أَخَا الْأَنْصَارِ صُنْ وَجْهَکَ عَنْ بِذْلَةِ الْمَسْأَلَةِ وَ ارْفَعْ حَاجَتَکَ فِی رُقْعَةٍ» (۴۴)؛ ترجمه: ای برادر انصاری، آبروی خود را از درخواست حضوری حفظ کن و حاجتت را در نامه‌ای بنویس. لذا، توصیه کردند تا در کاغذی حاجت خود را بنویسد و به ایشان دهد.

این نگاه کریمانۀ حضرت تا به آنجاست که حتی اظهار پشیمانی دیگران را نیز تاب نیاورد و در برابر اظهار پشیمانی حرّ در روز عاشورا به وی فرمود: «ارفع رأسک یا شیخ». تعبیر امام حسین (ع) در خطاب‌قراردادن حر با لفظ «شیخ»، می‌تواند در جهت عزیزشمردن هرچه بیشتر وی باشد (۴۵).

شایان ذکر است که در رویکردهای روان‌شناختی نیز احساس‌پذیرفته‌شدن و دریافت رفتارهای احترام‌آمیز از عوامل مؤثر در عزت‌نفس افراد شناخته می‌شود (۴۶). این رفتارهای کریمانه از دو طریق می‌توانند در ایجاد و تقویت کرامت انسانی افراد مؤثر باشند: اول آنکه انسان خود را آن‌چنان ارزیابی می‌کند که دیگران وی را ارزیابی می‌کنند و درصورتی‌که فرد احترام‌کننده شخصیت مهمی نزد انسان داشته باشد، نفوذ ارزیابی او در فرد بیشتر خواهد بود، لذا اگر ارزیابیِ عزت‌بخش ببیند، خود را نیز عزیز می‌شمارد. دوم آنکه وجود چنین رفتارهای کریمانه و عزت‌بخشی می‌تواند فرد مقابل را از جایگاه انسانی و قابل احترام خود آگاه کند و همین آگاهی از گوهر انسانیتِ درون که در بسیاری از اوقات برای افراد مخفی می‌ماند، می‌تواند فرد را از کارهایی که به کرامت و عزت او لطمه می‌زند، دور کند.

در نتیجه، اصولاً بخشی از راه‌های ایجاد عزت‌نفس را

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.22034/Jrh.13.2.1]

نه در درون، بلکه در بیرون از فرد باید جست‌وجو کرد که در واقع، همان مقدار ارزشی است که انسان تصور می‌کند دیگران برای شخصیت او قائل‌اند (۴۷).

از سوی دیگر، بخشی از رفتارهای کریمانه در گفتمان حسینی، عدم اجبار و دادن حق انتخاب به دیگران است. همچنان‌که در مؤلفهٔ مبنایی بیان شد، با توجه به وجود برخی نعمت‌های الهی، همچون عقل و فطرت پاک که سبب کرامت ذاتی انسان‌ها می‌شود، هر انسانی توانایی انتخاب مسیر درست خویش را دارد و در نتیجه، مجبورکردن انسان به پذیرش یک راه مشخص، نادیده‌گرفتن ویژگی‌های انسانیت و در نتیجه کرامت ذاتی اوست. این انتخاب آزاد و تحمیل‌نکردن در موارد متعددی در کلام اباعبدالله الحسین (ع) دیده می‌شود:

ایشان هنگامی که در مکه بودند و قصد خروج از آنجا را داشتند، به‌منظور همراه‌کردن دیگران با مسیر خود فرمودند: «مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ وَ مُوَطِّناً عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحاً إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى»؛ ترجمه: هرکس آمادهٔ فداکاری و جانبازی در راه ماست و خویشتن را آمادهٔ مرگ کرده است، با ما کوچ کند که من به خواست خداوند متعال، صبح می‌کنم (۳۰). همچنان‌که مشاهده شد، هیچ بوی اجباری به مشام نمی‌رسد و صرفاً از کسانی که تمایل دارند در راه خدا به شهادت برسند، به همراهی با خود دعوت کرده است.

حتی در طول مسیر، هنگامی که حضرت در منزلگاه زباله خبر شهادت مسلم، هانی و عبدالله بن یقطر را می‌شنوند و اوضاع را با آنچه تصور می‌شد متفاوت دیدند، بار دیگر نیز اختیار ادامه‌دادن یا انصراف از مسیر را به عهدهٔ همراهان خود گذاشتند و خطاب به آنان فرمودند: «فَمَنْ أَحَبَّ مِنْكُمُ الِانْصِرَافَ فَلْيَنْصَرِفْ مِنْ غَيْرِ حَرَجٍ لَيْسَ عَلَيْكُمْ ذِمَامٌ»؛ ترجمه: هرکه از شما دوست دارد که منصرف شود پس باید (از این راه) منصرف شود و هیچ حرجی بر او نیست و ذمه‌ای نیز بر گردن او نخواهد بود. (۴۸). نکتهٔ حائز اهمیت آن است که حضرت این اجازهٔ خویش برای ترک همراهی را ابتدا در نامه‌ای مکتوب کردند و سپس برای آنان قرائت کردند که این مکتوب‌شدن دلگرمی بیشتری به کسانی خواهد داد که از ادامهٔ مسیر منصرف شدند و اطمینان خواهند کرد که با ترک همراهی امام (ع)، آسیبی آن‌ها را تهدید نخواهد کرد که البته پس از این اجازهٔ امام (ع)، بسیاری از کسانی که از مکه به امام ملحق شده بودند، از کاروان جدا شدند.

نکتهٔ دیگری که در برخی مقاتل نیز به آن اشاره شده، دربارهٔ علت این حق انتخاب در میان مسیر است و گفته شده است چون امام حسین (ع) می‌دانستند که عده‌ای به گمان آنکه امام (ع) بناست حاکم سرزمینی شوند، با ایشان همراهی کردند و حال‌که با شهادت مسلم ابن عقیل اوضاع متفاوت شده است و لاجرم مسیر منتهی به شهادت خواهد شد، حضرت دوست نداشتند عده‌ای ناآگاهانه و بدون اطلاع از عواقب تصمیمشان در این مسیر قدم بردارند (۲۷).

از نگاه روان‌شناختی، دادن حق انتخاب به انسان‌ها در شرایط مختلف، که البته در ارتقای عزت‌نفس نیز مؤثر است، به این دلیل بوده که تحمیل ارزش‌های خود به دیگران سبب شده است که آن‌ها به‌مرور زمان، قدرت تجزیه‌وتحلیل و همچنین تشخیص خوب و بد را از دست بدهند و فردی رشدیافته تلقی نشوند به همین منظور، لازم است انسان به کمک عقل خویش و نیز ارزش‌هایی که خود به آن‌ها رسیده و درونی شده‌اند، تصمیم بگیرد تا احساس تسلط بر زندگی خود کند و عواقب تصمیم‌گیری‌های خویش را نیز در نظر بگیرد (۴۹). به همین دلیل، اگر فردی هنوز به ارزش شهادت در رکاب امام زمان خود پی نبرده و آن را درونی نکرده باشد، حتی در شب عاشورا نیز امام (ع) را رها می‌کند و تنها خواهد گذاشت.

نتیجه‌گیری و ارائه مدل

۱. با توجه به تعاریف ذکرشده پیرامون واژهٔ «گفتمان»، این واژه سهٔ مؤلفهٔ زبانی، فرازبانی و اثرگذاری دارد. لذا، گفتمان به جریانی گفته می‌شود که ایدئولوژی و قواعد خاصی دارد که در بسترهای مختلفی شکل گرفته است و در مردمی که در محدودهٔ زمانی و مکانی آن

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.22034/Jrh.13.2.1]

گفتمان زندگی می‌کنند، اثر دارد.

۲. فردی باکرامت خواهد بود که از نظر شخصیتی دو مؤلفهٔ آبرومندی و عزت را دارد و به انجام رفتارهای کریمانه همچون سخاوت و گذشت از دیگران بپردازد.

۳. مبنای کرامت انسانی در گفتمان امام حسین (ع) متکی بر اندیشهٔ قرآنی کرامت ذاتی انسان‌هاست که به‌واسطهٔ آفریدهٔ خدا بودن و نیز وجود نعمت‌هایی همچون عقل و فطرت پاک، شایستهٔ این ارزش و کرامت‌اند. به همین دلیل، امام حسین (ع) حتی با دشمنان خویش رفتاری کریمانه داشته است.

۴. این مبنای کرامت در اندیشهٔ امام حسین (ع) در روان‌شناسی معاصر نیز مورد توجه بوده و توجه و محبت غیرمشروط به دیگران صرفاً بابت وجود گوهر انسانیت در آنان، از عوامل رشد و تکامل شخصیت سالم است.

۵. مؤلفهٔ فکری از نگاه روان‌شناختی به دو طریق در ایجاد و ارتقای کرامت انسان‌ها اثرگذار و قابل تبیین است: طریق اول، اقناع شناختی انسان‌هاست که بیان خطبه‌ها و موعظه‌های امام حسین (ع) پیرامون عزت و کرامت انسانی در همین زمینه است. طریق دوم، شناخت توانایی‌ها و داشته‌های انسان است که در صورت آگاهی او از این ویژگی‌ها، از رفتارهای ذلیلانه دور می‌شود و گوهر انسانیت خویش را به ارزانی نخواهد فروخت.

۶. مؤلفهٔ انگیزشی را می‌توان انرژی‌دهندهٔ انجام رفتارهای کریمانه و عزت‌بخش یاد کرد که در گفتمان حسینی، الگوبودن اباعبدالله الحسین (ع)، که الگویی پیشرو نیز هست، می‌تواند سرمشقی برای رفتارهای کرامت‌بخش باشد که نهضت‌های آزادی‌بخش در ایران و هندوستان نمونه‌ای از قدرت عظیم چنین الگویی‌اند.

۷. از نگاه روان‌شناختی، مقایسه و همچنین قضاوت فرد میان خود و شخص الگو می‌تواند به‌منظور برطرف‌کردن کاستی‌های فرد انرژی‌دهنده و در نتیجه، به ویژگی‌های الگو نزدیک‌تر شده باشد

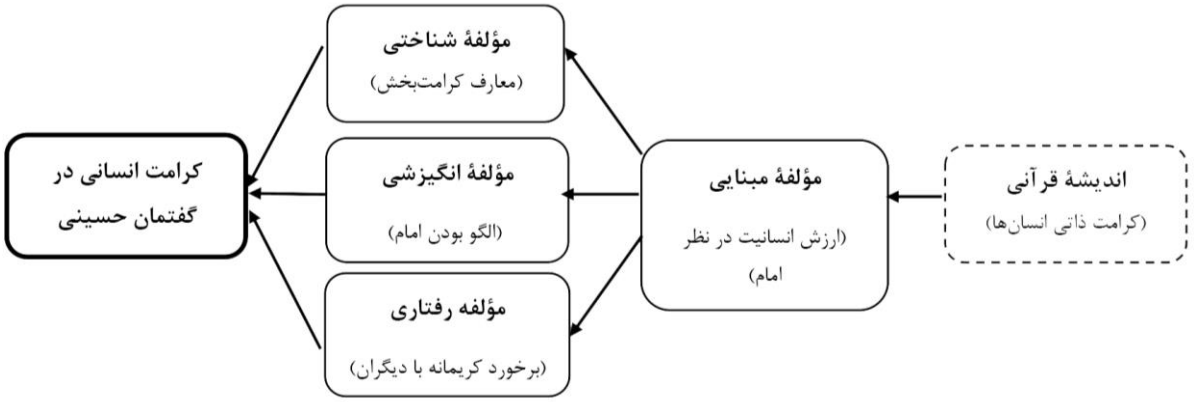
۸. مؤلفهٔ رفتاری به مجموعهٔ تعاملاتی در سیرهٔ امام حسین (ع) می‌پردازد که به عزت و کرامت طرف مقابل اهمیت داده شده است که برخورد کریمانهٔ امام حسین در روز عاشورا در برابر ناسزاگویی برخی دشمنان، پرهیز از شرمسارکردن دیگران وجود تعداد زیادی از غلامان در اصحاب امام (ع) و تبعیض‌نگذاشتن میان آن‌ها و دیگر یاران خویش و نیز دادن حق انتخاب‌های مکرر به همراهان خویش در واقعهٔ کربلا به‌منظور ادامه یا عدم ادامهٔ یاری ایشان، نمونه‌هایی از این رفتارهای کرامت‌آمیز است.

۹. از نگاه روان‌شناختی، درصورتی‌که شخصیتی که رفتارهای احترام‌کننده دارد، فرد مهمی نزد انسان باشد، سبب می‌شود علاوه‌بر اینکه فرد، خود را محترم و عزیز ارزیابی کند، وی را از ارزش شخصیتی خود آگاه کند و در نتیجه کرامت و عزت‌نفس او افزایش یابد. از سوی دیگر نیز دادن حق انتخاب به انسان سبب رشد وی و کسب قدرت تشخیص میان حق و باطل می‌شود و در تصمیم‌گیری‌های خود، بهتر عواقب آن را در نظر خواهد گرفت. البته تحمیل ارزش‌ها و انتخاب جبری یک مسیر آن‌چنان انرژی ندارد که فرد را در سختی‌های فراوان، مصمّم به ادامهٔ مسیر کند و لذا در میانهٔ راه، منصرف خواهد شد.

۱۰. براساس مؤلفه‌های استخراج‌شده و نیز یافته‌های بیان‌شده، مدل ۲ به دست آمده که در آن، اندیشهٔ قرآن کریم در کرامت ذاتی انسان‌ها، به‌دلیل اینکه اهل بیت (ع) قرآن ناطق و سیرهٔ آنان تفسیر عملی قرآن است، در ایجاد مبنای کرامت انسانی در اندیشهٔ امام حسین (ع) اثرگذار بوده است و همین مبنا سبب ایجاد سه مؤلفهٔ فکری، انگیزشی و رفتاری خواهد بود؛ زیرا خطبه‌های امام (ع) پیرامون کرامت انسانی، سرمشق‌بودن امام (ع) و نیز بروز رفتارهای عزت‌بخش و کریمانه با مردم، همگی از مبنای ایشان سرچشمه گرفته‌اند که در نهایت، همهٔ این مؤلفه‌ها، کرامت انسانی را در گفتمان حسینی شکل می‌دهند.

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.22034/Jrh.13.2.1]



مدل ۲. کرامت انسانی در گفتمان حسینی

تشکر و قدردانی

ندارد.

تعارض منافع

این مقاله تعارض منافع ندارد.

حامی مالی

حامی مالی ندارد.

References

1. Krippendorff, Klaus. Content analysis: an introduction to its methodology. 4th ed. SAGE Publications; 2019. p. 10-17.
2. Elo S, Kyngäs H. The qualitative content analysis process. J Adv Nurs. 2008;62(1):107-15. (PMID: 18352969)
3. Drisko J, Maschi T. Content analysis: pocket guide to social work research methods. Oxford: Oxford University Press; 2015. p. 83.
4. Jacoby L, Siminoff LA. Empirical methods for bioethics: a primer. 1st ed. JAI Press; 2008. p. 42.
5. White M, Marsh E. Content analysis: a flexible methodology. Libr Trends. 2006;55(1):22-45.
6. Berg LB. Qualitative research methods for the social sciences. 4th ed. Boston: Allyn and Bacon; 2001. p. 242.
7. Spannagel C, Gläser-Zikuda M, Schroeder U. Application of qualitative content analysis in user-program interaction research. Forum Qual Soc Res. 2005;6(2).
8. Fairclough N. Critical discourse analysis. New York: Longman Publishing; 1995. p. 9.
9. Armstrong P. The discourse of Michel Foucault: a sociological encounter. Crit Perspect Account. 2015;27:29-42.
10. Hall S, Hobson D, Lowe A, Willis P, editors. Culture, media, language. 1st ed. London: Routledge; 1992. p. 290.
11. Farahidi K bin Ahmad. Kitab al-Ain. Qom: Hijrat Publishing; 1988, V 5, p. 368.
12. Ibn Faris A. Muʿjam Maqāyīs al-Lughah. Qom: School of Islamic Information; 1983, V 5, p. 171.
13. Raghib Isfahani H bin Muhammad. Mufradat Al-Faz Al-Quran. Beirut: Dar al-Qalam; 1991. p. 707.
14. Askari H bin Abdullah. al-Furūq fī al-Lughah. Beirut: Dar al-Afaq al-Jadidah; 1979. p. 168.
15. Fayoumi A bin Muhammad. al-Masbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir. Qom: Dar al-Hajra Institute; 1993, V 2, p. 531.
16. Mostafavi H. al-Habiq fi Kalamat al-Qur'an al-Karim. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance; 1989, V 10, p. 46.
17. Hosseini Zubaidi MM. Tāj al-ʿArūs min Jawāhir al-Qāmūs. Beirut: Dar al-Fikr; 1993, V 17, p. 606.
18. Branden N. Psychology of self-esteem. Trans: Gharachedaghi M. Tehran: Nakhustin Publishing; 1989.
19. Baumeister RF, Campbell JD, Krueger JI, Vohs KD. Does high self-esteem cause better performance, interpersonal success, happiness, or healthier lifestyles? Psychol Sci Public Interest. 2003;4(1):1-44.
20. Moshki M, Ghofranipour F, Allahyari AA. The effect of problem-solving training on the self-concept of male adolescents in Gonabad high schools [dissertation]. Tehran: Tarbiat

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.22034/Jrh.13.2.1]

Modares University. 2000.
21. Adams GR, Gullotta TP. Adolescent life experience. New York: Brooks/Cole Publishing Company; 1994.
22. Tamimi Amadi AW bin Muhammad. Gharr al-Ḥikam wa-Durr al-Kalām. Qom: Dar al-Kitab al-Islami; 1989. p. 701
23. Tabatabaei MH. Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. Beirut: Al-Alami Publishing House; 1971, V 13, p. 655.
24. Kulayni M ibn Yaqub. Al-Kafi. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya; 1976, V 8, p. 32.
25. Seyyed Razi MH. Nahj al-Balaghah, Trans: Sharif al-Radi M bin Hossein. Qom: Hijrat; 1993. p. 427.
26. Mofid M bin Muhammad. Al-Irshad fi Marifah Ḥujjat Allāh alā al-Ibād. Qom: Sheikh Mofid Congress; 1992, V 2, p. 76-98.
27. Abu Mikhnaf L bin Yahya al-Kufi. Waqqa al-Taf. Qom: Jamia al-Madaris; 1996. p. 209-219.
28. Prochaska J, Norcross JC. Psychotherapeutic Theories, Trans: Mohammadi SY. Tehran: Roshd Publishing. 2006. p. 192.
29. Ibn Tawus A Ibn M. Allahuf Ali Qatali al-Tufuf, Trans: Fahri. Tehran: Jahan; 1969. p. 23-61.
30. Ibn Shahr-e-Ashūb M ibn Ali al-Mazandarani. Manaqib al-Abi Talib (a.s.). Qom: Allama; 2000, V 4, p. 110.
31. Ibn Namma al-Hilli J ibn Muhammad. Muthir al-Ahzan. Qom: Imam Mahdi (a.s.) School; 1985. p. 52-58.
32. Feist J. Personality Theories, Trans: Mohammadi SY. Tehran: Doran Publishing; 2005.
33. Mohammad Alinejad OR, Kamalvand P. Comparative conceptualization of self-esteem in the Quran and humanistic psychology. Phil J Couns Psychother. 2016;7(27):1-32.
34. Reeve JM. Motivation and emotion, Trans: Mohammadi SY. Tehran: Virayesh Publishing; 2014. p. 243-6.
35. Shojaei MS. Motivation and emotion. Qom: Hajj and University Research Institute; 2012. P. 11.
36. Ibn Abī al-Ḥadīd A bin Muhammad. Sharḥ Nahj al-Balāghah. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabī; 1967, V 3, p. 249.
37. Wang W, Wan M, Hu Q, Wang P, Lei L, Jiang S. Upward social comparison on mobile social media and depression: the mediating role of envy and the moderating role of marital quality. J Affect Disord. 2020;270:143-9. (PMID: 32339106)
38. McCarthy PA, Morina N. Exploring the association of social comparison with depression and anxiety: a systematic review and meta-analysis. Clin Psychol Psychother. 2020;27(5):640-71. (PMID: 32222022)
39. Khomeini SR. Sahifeh Noor. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (RA); 2006, V 17, p. 55.
40. Hasheminejad SAK. The Lesson that Hussein (a.s.) Taught to Humans. Mashhad: Astan Quds Razavi Puplications; 2002. p. 448.
41. Ibn Ḥayyūn N ibn Muḥammad al-Maghribī. Sharh al-Akhbar fi Fada'el al-Imam al-Atahar (a.s.). Qom: Jamia al-Madaris; 1988, V 3, p. 246.
42. Ibn Mashhadi M ibn Jafar. Al-Mazar al-Kabir. Qom: Daftar al-Islami; 1998. p. 491.
43. Hosseini Mousavi M ibn Abi Talib. Tasliya Al-Mujalis wa Zina Al-Majalis. Qom: Al-Maarif Islamic Foundation; 1997, V 2, p. 293.
44. Zehni Tehrani MJ. Maqtal al-Hussein from Medina to Medina. Tehran: Payam al-Haqq; 2018, p. 460.
45. Kavandi Z, Safuraei Parizi MM. Self-Esteem: respecting the inner realm of the self. Tahora J. 2012;5(12).
46. Sandfred BW, Frank B. Self-esteem and life. New York: Pergamon Press; 1965.
47. Fattal Neyshaburi M ibn Ahmad. The Kindergarten of Preachers and the Insight of Preachers. Qom: Razi; 1996, V 1, p. 179.
48. Beheshti S, Nazemi S. 2010, Comparative study of anthropological viewpoints of Ostad Motahhari and Carl Rogers. J Reason Relig. 2010;1(2):26-56.

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.22034/Jrh.13.2.1]